



اسماعیل علوی
روزنامه نگار

تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با وجود تولید آثار مکتوب بسیاری، هنوز از مرحله شفاهی عبور نکرده و بیان هزاران چند گانه دیده‌ها، شنیده‌ها و طرح دیدگاه کسانی که در جنگ حضور داشته‌اند نزدیک در جریان کم و کیف مسائل و جزئیات عملیات‌ها هستند، می‌تواند بر باعداد آن افزوده و رویکرد‌ها را در تبیین تاریخ جنگ تحمیلی دگرگون سازد. به علاوه نگاه‌های متفاوت به روند رخدادهای جنگی از سوی جنگ‌آوران می‌تواند تاریخ تحلیلی جنگ را تحت تأثیر قرار داده و با اما و اگرهای زیادی مواجه کند. هستند کسانی که با مرارت و اصرار از ضرورت ادامه جنگ سخن به میان می‌آورند و از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره) که منجر به آتش بس و اتمام جنگ ۸ ساله شد با عنوان نوشاندن جام زهر به ایشان یاد می‌کنند. این عده اگر چه معدود هستند، اما تریبون‌های متعددی در اختیار داشته‌اند و صدای رسایی دارند و مجدانه نظرات خود را در قالب نقد این و آن و در بستری سیاسی طرح و پی می‌گیرند. همه ساله در مناسبت‌های جنگی، همچون هفته دفاع مقدس طرح این گونه مباحث و نظرات اوج می‌گیرد و در نشست‌های یک جانبه یا دو جانبه موضوعات متنوعی مطرح و با مدبر رسانه‌ها در سطحی قابل توجه منتشر می‌شوند. سال ۱۳۹۵ نیز همچون سال‌های قبل شاهد برپایی این گونه نشست‌ها بود، با این تفاوت که در این سال نشست‌ها اغلب با حضور صاحب‌نظرانی از زده فرماندهان ارشد دوران دفاع مقدس یا مدیران عالی رتبه اجرایی در سال‌های جنگ تحمیلی برگزار شد.



حسین علیاری



حسین الکریمی



محمد ستاری فر

هنوز برای نوشتن تاریخ جنگ زود است

گزارشی از مجادلات نظری

در سال ۹۵ پیرامون دفاع مقدس

تضعیف کردند (هیأت دولت دوران جنگ با محوریت بهزاد نبوی). وی حتی فرمانده سپاه راهم متهم به همدلی با این افراد کرده و از محسن رضایی به عنوان کسی که خواهان پایان جنگ بود یاد می‌کند. سخنان الله‌اکرم که بر پایه تحلیل استوار است با تذکر محری در مورد خطاهای تاریخی در مورد کدهای مورد استفاده ایشان روبه رو می‌شود و بار دیگر سردار حسین علیاری رشته کلام را در دست می‌گیرد و با بیان شاه کلید بحث مبنی بر اینکه «اگر امام نبود کسی قادر به پایان دادن به جنگ نبود» بر نقش محوری امام خمینی (ره) تأکید می‌ورزد و بحث را در چارچوب علمی پی می‌گیرد و در ادامه می‌گوید:

تجربه مفهومی است که چگونگی درس آموزی از حوادث گذشته برای ساختن آینده را با زتاب می‌دهد. بر همین مبنا وقتی که امام به این نتیجه رسید قطعنامه را بپذیرد، آن را بپذیرفت. حتی وقتی بعد از پذیرفتن قطعنامه ارتش عراق دوباره هجوم آورد و متقابلاً نیروهای خود جوش مردمی آنان را پس زدند و حماسه دیگری در دفاع از کشور رقم زدند، امام (ره) فرمود ما با پذیرش قطعنامه به دنبال صلح پایدار هستیم و نیازی به بازگشت به دوران جنگ نیست. این گونه نبود که امام تحت تأثیر حوادث و افراد تصمیم بگیرند، بلکه بر اساس واقعیت‌ها به تصمیم می‌رسیدند. البته قبل از تصمیم مشورت‌های لازم را هم انجام می‌دادند. به همین دلیل است که امام (ره) بعد از پذیرش قطعنامه به صراحت فرمود: من تا چند هفته قبل به فکر ادامه جنگ بودم اما الان به دنبال صلح هستم. علی‌بابط این سؤال که اگر ما قطعنامه را نمی‌پذیرفتیم چه اتفاقی

خیمینی (ره) از پذیرش قطعنامه به «جام زهر» به طرح این موضوع پرداخت که باید از این نکته عبرت گرفت و بر اساس گفته‌های متن محور، امام خمینی (ره) در رابطه با پذیرش قطعنامه از عوامل و حوادثی نام می‌برد که آینده آن را روشن خواهد کرد. وی راهکار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای پایان دادن به جنگ را مغایر با نظر امام دانسته و بر این باور تکیه می‌کند که از زمان تصویب قطعنامه در سال ۶۶، امریکایی‌ها و اورد منطقه شدند و به موازات آن مناقبین فعال شده و عملیات «خورشید درخشان» را به اجرا گذاشتند. وی همچنین از دست رفتن فوآر و سیاسی دانسته و اظهار می‌دارد: از دست رفتن فوآر نیز در این مقطع به وقوع پیوست که همه این‌ها حاصل ایجاد تردید در رزمندگان بر اثر طرح «یک عملیات بزرگ آنگاه پایان دادن به جنگ» محسوب می‌شوند. الله کرم تأکید دارد که تلقی رزمندگان از پذیرش قطعنامه، رفتن زیر بار صلح تحمیلی بود و این را همان نکته عبرت‌آمیز پذیرش قطعنامه می‌داند که اگر به آن توجه می‌شد مجبور به نوشیدن جام زهر نمی‌شدیم. وی با نام بردن از افراد، سه طرز فکر با سه روش متفاوت را سعی در جهت پایان دادن به جنگ



معرفی می‌کند که جملگی آنان نظرشان مغایر با نظر و رویه امام (ره) بود. طرز فکری که به دنبال راه‌کاری برای خاتمه دادن به جنگ از طریق انجام یک عملیات بزرگ بود (آیت‌الله هاشمی رفسنجانی). صاحبان ایده‌ای که به دنبال اتمام جنگ از طریق مجمع عقلا بودند (با محوریت حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی) و بالاخره دست اندرکاران اداره کشور که با بهانه نداشتن توان تأمین مخارج جبهه و پشت جبهه شعار «جنگ تا پیروزی» را

یکی از این نشست‌ها که به همت انجمن اندیشه و قلم و با همکاری خانه اندیشمندان و در مناسبت هفته دفاع مقدس برگزار شد، نشست بود با حضور سردار حسین علیاری از فرماندهان ارشد دوران دفاع مقدس و حسین الله‌اکرم یکی دیگر از فرماندهان این دوران که معتقد به تحمیل قبول قطعنامه به امام راحل است. در مقابل سردار حسین علیاری با مهم توصیف کردن تصمیم امام خمینی (ره) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از نقش تاریخی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این رابطه نیز تجلیل کرده و وی را خدمتگزاری بزرگ به نظام و انقلاب که مستحق قدردانی و تشکر است می‌شناساند. سردار علیاری در این نشست با بیان این نکته که «هیچ جنگی تا ابد باقی نمی‌ماند» هدف سیاستمداران از به راه انداختن جنگ را دستیابی به اهداف مشخص برمی‌شمرد که از ابتدا برای برون رفت از آن تدابیری اندیشیده می‌شود. به گفته این کارشناس مسائل نظامی، جنگ‌ها با چند شیوه پایان می‌یابند که پایان جنگ تحمیلی نیز یکی از این شیوه‌ها منطبق است. سردار علیاری استراتژی عراق از حمله به ایران را بی‌اعتباری و بلااثر کردن معاهده ۱۹۷۵، جداسازی استان خوزستان و استقرار حکومتی وابسته به دولت عراق در بخشی از سرزمین‌های وطنی و کاستن از دامنه نفوذ انقلاب اسلامی در میان مسلمانان عراق دانسته و دشمن را در تمامی این اهداف ناکام ارزیابی می‌کند و متقابلاً استراتژی ایران در جنگ تحمیلی را ممانعت از دستیابی دشمن به اهدافش برمی‌شمرد که در عمل کاملاً موفق است. علیاری در تشریح نظراتش می‌گوید: اگر جنگ با تأمین اهداف دشمن یا بخشی از آنها به پایان می‌رسید پایان جنگ برای عراق پیروزی محسوب می‌شد، حال آنکه این طور نشد، بنابراین پایان بخشی به جنگ و پذیرش قطعنامه امری منطقی و مطلوب بود. چرا که قوای نظامی ایران توانستند با حمایت‌های بی‌دریغ مردمی مانع از دستیابی دشمن به اهدافش شوند و در نتیجه ۸ سال دفاع مقدس تمامیت ارضی حفظ و معاهده ۱۹۷۵ نیز همچنان به عنوان یک معاهده بین‌المللی بر قوت خود باقی ماند. در چنین شرایطی پذیرش قطعنامه به معنای تحمیل آتش بس نیست. حسین الله‌اکرم می‌همان دیگر این نشست با اشاره به تعبیر امام

دکتر علیاری:

منتقدان پذیرش

قطعنامه ۵۹۸

به این پرسش

پاسخ دهند که

استراتژی آنان برای

ادامه جنگ چه بود

و در چه شرایطی

بنا داشتند جنگ را

پایان دهند